

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تأسیس ۱۳۴۰

قطعنامه هشتمین کنگره

(اسفندماه ۱۳۶۴)

کنگره نهضت آزادی ایران با حمد خدا و درود بر محمد مصطفی(ص) و ائمه طاهریین(ع) و بنیانگزاران انقلاب، شهیدان و جانبازان، اسراء و مفقودین، آوارگان و آسیب دیدگان و ملت حق پرست ایران، و با دعای خیر برای کسانی که به اسلام و ایران خدمت کرده‌اند و می‌کنند با خدا و ملت ایران تجدید پیمان نموده ضمن تأیید خطمشی و مواضع گذشته نظریات جدید و تکمیلی خود را به شرح زیر اعلام می‌دارد.

بخش اول - مواضع نهضت

۱- آزادی:

کنگره این توضیح را ضروری می‌داند که غرض از آزادی و آزادیخواهی همان اختیار و آزادیهای قرآنی اعطا شده از طرف خدا و تصریح شده در قانون اساسی است که رهایی انسان از اسارت انسان و شیطان را عینیت می‌بخشد و معتقد است که برای تأمین آزادیهای مطلوب تلاش مستمر و کسب شایستگیهای لازم ضروری می‌باشد. استبداد به هر عنوان اعم از سلطنتی، دینی، فرهنگی و سنتی یک نوع شرک به خدا و حاکمیت طاغوت بوده فرد و اجتماع را دچار اسارت می‌نماید و از سعادت دنیا و آخرت محرومشان می‌سازد.

قانون اساسی تشکیل راهپیمائیهها و اجتماعات بدون حمل سلاح را به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد آزاد دانسته است. آزادی و استقلال و تمامیت ارضی را تفکیک ناپذیر می‌داند. نشریات و مطبوعات را در بیان آزاد می‌داند مگر آنکه محل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشد. فعالیت احزاب و دستجات را به رسمیت شناخته مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکند.

نهضت آزادی ایران بخش عمده‌ای از بحرانهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و استمرار جنگ را ناشی از سلب آزادی‌های مصرح در قانون اساسی می‌داند و معتقد است تا زمانی که افراد جامعه از آزادیهای لازم و امنیت قضائی برخوردار نگردند و نمایندگان مردم نتوانند نسبت به سرنوشت کشور و ملت اظهارنظر نمایند، آرمانهای ملت ایران از جمله عدالت اجتماعی تأمین نگردیده و مشکلات کنونی حل نخواهد شد.

۲- مجلس و حرمت قانون:

نارسائی‌های ناشی از فقدان یا نقض قوانین موجود در بخش‌های مختلف از زبان برخی از دولتمردان در روزنامه‌ها منعکس است و حتی دیوانعالی کشور از این بابت شکوه دارد. در بخش اقتصاد هنوز آنطور

که باید مفاد قانون اساسی اجرا نشده است. در بخش تأمین اجتماعی از آنچه بوده است قدمی برداشته نشده و عدالت اجتماعی غالباً در سخنرانی‌ها عنوان شده است.

متأسفانه حرمت قانون در بین نهادها و دولت و قوه قضائیه از بین رفته است. کسانی که باید حافظ قانون باشند «قانون‌گرائی» را مذموم دانسته‌اند. از نظر بین‌المللی و روابط سیاسی هنوز نتوانسته‌ایم یک خط‌مشی مصوب از مجلس بدست آوریم تا چراغ راه حکومت و دولت باشد. مجلس در قراردادهای و موافقت‌نامه‌ها کمتر اعلام نظر می‌نماید و عملکرد مجلس نشان می‌دهد که نمی‌تواند آن طور که باید از اختیارات خود استفاده نماید. حتی در نطق‌های قبل از دستور و سؤال و استیضاح‌های دولت محدودیت به وجود آمده است. بعضی از قوانین مصوب این مجلس مانند قانون احزاب حتی پس از گذشت چهار سال هنوز اجرا نشده است.

نهضت آزادی ایران همانطور که در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی نموده است، این ناتوانی‌ها را پی‌آمدهای عدم آزادی در انتخابات می‌داند و معتقد است تا زمانی که نمایندگان حقیقی ملت در مجلس حضور نداشته باشند و به سوگندنامه خود عمل ننمایند نمی‌توان قوانین اسلامی و جامعه‌ساز و نظارت بر کار دولت را انتظار داشت.

۳- قوه قضائیه و نابسامانی‌های جامعه:

نهضت آزادی ایران با الهام از کلام رسول‌الله(ص) که «الملک ببقی مع الکفر ولایبقی مع الظلم» و با اعتقاد به اینکه اگر شاهین ترازوی عدالت از تعادل خارج شود، تعادل کل کشور به هم خواهد خورد، بسیار متأسف است که دادگستری و قوه قضائیه و دادگاه‌های ما متناسب و جوابگوی شرائط کشور نبوده و با بی‌عدالتی و تعبد به اشخاص و نابسامانی استقلال خود را از دست داده است. علاوه بر آن شورای عالی قضائی با صدور بخشنامه‌های نظامات دادرسی و استقلال قضات را نادیده گرفته است.

علیرغم آنکه قانون اساسی صراحت دارد که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است، محاکمات علنی است و حضور افراد بلامانع است، ملت در موارد زیادی از این حقوق محروم مانده است. رفتار ناهنجار با زندانیان و وضع زندانها بهیچوجه شایسته جمهوری اسلامی نمی‌باشد.

۴- سیاست خارجی و روابط بین‌المللی:

اکنون پس از گذشت هفت سال از انقلاب شکوهمند اسلامی و داشتن شعار «نه شرقی - نه غربی» وزارت امور خارجه ایران کفایت و شایستگی پیاده کردن این شعار و اعمال سیاست‌های اعلام شده در قانون اساسی را نشان نداده است.

نهضت آزادی ایران بازگشت به پیمانهای منطقه‌ای و سیاست‌هایی را که در جهت شعار «هم غربی - هم شرقی» باشد محکوم می‌نماید. فعالیت‌ها شدن دیپلماسی ایران و مسافرت‌های دوستانه‌ای که به منظور برقراری روابط همکاری با همسایگان و کشورهای زیر ستم جهان انجام می‌گردد، روی هم رفته مورد

تأیید نهضت آزادی می‌باشد، مشروط بر آنکه به طور غیرمستقیم به تأمین خواسته‌های ابرقدرتها و تقویت پایگاههای آنها در خاورمیانه نیانجامد.

۵- سیاست‌های اقتصادی و کشاورزی

علیرغم شعارهای متداول از جمله «کشاورزی محور اقتصاد» و تبلیغات دولتی، کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران نه تنها به مرز خودکفائی نزدیک نشده است بلکه واردات محصولات کشاورزی در سالهای اخیر افزایش شدیدی یافته است که در بعضی اقلام به چند برابر می‌رسد. حل مسئله کشاورزی درگرو اقدامات لازم برای تأمین و توزیع آب و تقویت قوانین صریح و روشن در باره مالکیت زمین و مکانیزه کردن کشاورزی است که متأسفانه به دلیل شعارهای متداول، دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیری ناتوان مانده‌اند و حل نشدن معضل کشاورزی موجب بیکاری بیشتر روستائیان و هجوم آنان به شهرها و وابستگی بیشتر اقتصاد کشور به فروش نفت شده است، کشاورزی را فدای سیاست کرده‌ایم. تا روزی که مساله مهم و اساسی واگذاری وسایل مکانیزه کشاورزی حل نشده است و کشاورزی ایران به صورت سنتی و غیرعلمی قدیم و در مقیاسهای کوچک اقتصادی - فنی انجام می‌گردد، نخواهیم توانست اقتصاد کشور را بر پایه کشاورزی از استحکام قابل قبولی برخوردار نمائیم. دوگانگی سیاست دولت در بخش بازرگانی و بخش تولیدی و وابستگی بیشتر واردات صنعتی و کشاورزی به نفت بیش از گذشته گردیده و بر جمعیت شهرها و بیکاری افزوده است.

از نظر صنایع و تولیدات داخلی نیاز به یک برنامه جدی و علمی و واقع‌بینانه برای بالا بردن بازده تولیدات داخلی و تقلیل واردات و توسعه صادرات داریم.

با وجودی که دولت صدور هزاران موافقت اصولی برای احداث واحدهای صنعتی را جزء افتخارات خود می‌شمارد، ولی متأسفانه این واحدها به دلیل نداشتن یک برنامه جامع صنعتی و عدم تخصیص ارز مورد نیاز صنعت، اغلب به صورت نیمه‌تمام، متوقف و یا بدون تولید اقتصادی در نقاط مختلف کشور عاقل مانده است که نتیجتاً باعث رکود اقتصادی همراه با تورم نسبی گردیده است.

با در نظر گرفتن امکانات و ذخائر معدنی موجود می‌توانیم اقتصاد کشور را بر اساس توسعه صنعت و کمک به کشاورزی استقرار بخشیده و با به کار گرفتن سرمایه‌ها و همکاریهای وسیع ملی از صدور و فروش بی‌برنامه نفت جلوگیری نمائیم.

نهضت آزادی ایران وابستگی شدید اقتصاد کشور به نفت را خطرناک دانسته و تبدیل شدن دولت به یک کارفرمای بزرگ را باعث جلوگیری از شکوفائی استعدادها و موجب تقلیل و انهدام تولید که یگانه راه خودکفائی و تأمین استقلال اقتصادی است می‌داند و معتقد است که در بخش اقتصاد دولت باید به صورت امین ملت بر کل اقتصاد کشور نظارت نموده و از سوءاستفاده و سودجویی و فعالیت‌های غیرمشروع جلوگیری نماید.

البته مسئله تداوم جنگ و اختصاص یافتن قسمت عمده سرمایه‌ها و نیروهای ملی به آن را باید از علل و عوامل عمده نابسامانی شدید اقتصاد کشور دانست.

۶- دولت و مدیریت جامعه:

دولت در مدت شش سال گذشته نتوانسته یا نخواستہ است هدف‌های انقلاب را آنطور که اکثریت مردم انتظار داشته و به خاطر آن انقلاب کرده بودند و به آنها وعده داده می‌شده است، برآورد. به جای پرداختن به داخله کشور و به ملت و مملکت در مرحله اول، توجه خود را معطوف به خارج و تدارک انقلاب نموده است. صرف‌نظر از خواسته‌های اصلی «آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی»، مسائل مهم و وابسته دیگر نیز در مقایسه با گذشته سیر قهقرا داشته است. از آن جمله است: سازندگی، تولید، خودکفائی، امنیت، مسکن، بهداشت، آموزش و تعلیمات و تحقیقات، مشارکت و همکاری آزادانه عمومی و غیره.

نابسامانیهای اداری، وجود نهادهای مختلف با مسئولیتهای مشابه و استخدامهای زیاد باعث ناتوانی دولت و تقلیل دریافتی حقوق‌بگیران گردیده بسیاری از کارمندان را به دلسردی و در مواردی به ارتشاء کشانده است. کاغذبازی یا بوروکراسی همراه با فساد و بی‌تقوایی در ادارات دولتی که میان دست‌اندرکاران رواج یافته زبانزد خاص و عام شده است. انحصارگری و تضییق‌های خلاف قانون نیز مزید بر عوامل فوق بوده ایجاد نارضایتی و سرخوردگی نموده ملت را نسبت به انقلاب و نظام جمهوری بدبین و مخالف کرده است.

نهضت آزادی ایران تعدد مراکز تصمیم‌گیری و دخالت مقامات غیرمسئول و همچنین دولت‌سالاری را که نتیجه‌اش پس‌زدن ملت و مردم از مسئولیت و فعالیت و فزاینده است، محکوم می‌نماید. اختلاط سیاست و مدیریت را که به شکل تبعیضات سیاسی در انتخاب کارکنان و متخصصین اعمال می‌گردد نیز مردود دانسته قویاً خواهان آن است که دولتها امانتداران متعهد و خدمتگذاران مردم بوده وظائف ذیل را در برنامه خود قرار دهند:

الف) تأمین خواسته‌های اصلی و مصوب انقلاب.

ب) سازندگی و تولید و ابتکار.

ج) تأمین امنیت و برآورده شدن نیازهای حیاتی و رفاهی مردم.

د) جلب اعتماد و همکاری و مشارکت مردم.

ه) طرد افکار و سنتهای گروه‌گرایانه و انحصارطلبانه در اداره مملکت و در استخدامها.

و) حق تقدم و اولویت دادن به ضروریات و حل مشکلات داخلی ایران و سالم و شکوفا ساختن ملت و مملکت.

۷- جنگ و صلح:

نهضت آزادی ایران همانطور که در نشریات «جنگ و صلح»، «مذاکره - آتش‌بس - صلح»، «جنگ بی‌پایان» و «روزنه‌های امید» مواضع خود را اعلام نموده است، عامل اصلی آغاز و تداوم این جنگ را توطئه‌های ابرقدرتها بخصوص سیاست تجاوزگرانه امریکا و صهیونیسم بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران دانسته و دفاع کامل از استقلال و تمامیت ارضی کشور و تجهیز و تمرکز نیرو و به کار گرفتن دیپلماسی و تبلیغات پیگیر را برای پیروزی در جنگ تا اخراج متجاوزین واجب و ضروری دانسته است. تداوم جنگ را خواسته ابرقدرتها، به سود آنها و صهیونیسم و به زیان دو ملت مسلمان ایران و عراق

می‌داند. استفاده از سلاحهای شیمیایی و حمله به هواپیماهای مسافربری و مناطق مسکونی را محکوم می‌نماید و همچون گذشته از سازمانهای بین‌المللی می‌خواهد که در قبال این اقدامات ناجوانمردانه خصوصاً استفاده از سلاحهای شیمیایی اقدام عاجل و حق‌طلبانه بنمایند. نهضت آزادی ایران با توجه به موقعیت و امکانات رزمندگان مسلمان ایران شرایط عادلانه برای پایان جنگ را به ترتیب زیر اعلام می‌نماید.

- ۱- عراق به عنوان آغازگر جنگ در سازمان ملل متحد محکوم گردد.
 - ۲- یک هیئت کارشناس بین‌المللی مورد قبول طرفین خسارات و ضایعات را تعیین نماید.
 - ۳- عراق ملزم به پرداخت خسارات و ضایعات جنگ علیه ایران شود.
 - ۴- کلیه اسرای جنگی دو طرف آزاد گردند.
 - ۵ - یک حاشیه استحقاقی برای مدتی معین در داخل خاک عراق زیر نظارت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل قرار گیرد.
 - ۶- نیروهای ایران به پشت مرزهای بین‌المللی قبل از آغاز جنگ و نیروهای عراق به پشت حاشیه استحقاقی فوق عقب‌نشینی کنند.
- به منظور تحقق پایان جنگ لازم است دیپلماسی ایران در جهت تحقق شرایط فوق فعالتر گردد و نیروهای رزمنده ایران تا هنگام دستیابی به صلح عادلانه و پایدار در طول جبهه‌ها ابقاء و تقویت گردند و به طور کلی برای پیشگیری هرگونه تجاوزات بعدی و دور نگاه داشتن دشمنان نیروهای نظامی ما در حداکثر توان مجهز و مسلط شود.

۸- بهداشت و پزشکی:

با آنکه اصل بیست و نهم قانون اساسی «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره» را حقی همگانی شمرده و دولت را مکلف نموده است «خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند» در سالهای اخیر خدمات بهداشتی و درمانی روزبه‌روز کاهش یافته و جمهوری اسلامی دچار فقر بیشتری در ارائه این خدمات گردیده است، به حدی که برخی از بیماریهای کنترل شده مجدداً شیوع پیدا کرده است. برای اینکه این روند غم‌انگیز پایان پذیرد لازم است:

۸-۱) با اتخاذ سیاست جاذبه به جای دافعه در رفتارهای غلطی که موجب فرار متخصصین امور پزشکی و درمانی، که در بدو پیروزی انقلاب آمادگی خود را به خدمت ملت و کشور اعلام نموده و از گوشه و کنار جهان به زادگاه خویش برگشتند، تجدیدنظر شود.

۸-۲) استقلال صنفی و حرفه‌ای جامعه پزشکان و پزشکیاران و پرستاران و سایر متخصصین مورد نیاز کشور محترم شمرده گردد (نظام پزشکی و دانشکده‌های پزشکی کشور هدف انحصارگری قرار نگیرند).

۳-۸) با توجه به وسعت و حساسیت نظام بهداشتی و درمانی اعم از تربیت کادر پزشکی کشور و یا فعالیت‌های مربوط به حرفه پزشکی، ضرورت دارد هر گونه اصلاح جزئی یا کلی و اساسی با مطالعه و برنامه‌ریزیهای قبلی و با استفاده از تجارب صاحب‌نظران با آمادگیها و نظم لازم صورت گیرد.

۴-۸) با توجه به افزایش نیازهای بهداشتی و درمانی کشور به علت افزایش جمعیت و عوارض ناشی از جنگ بودجه وزارت بهداری با شرائط موجود متناسب گردد.

۵-۸) با برنامه‌ریزیهای صحیح برای افزایش کمیت و کیفیات تولیدات دارویی کشور و تأمین کمبودها از منابع مطمئن خارجی داروهای مورد نیاز به میزان کافی به صورت منظم در دسترس عموم قرار گیرد تا مردم قربانی مطامع سودپرستان و دست‌اندرکاران بازار سیاه نگردند.

۹- دانشگاهها و آموزش و پرورش:

با آنکه آموزش و پرورش موثرترین نهاد و مهمترین وسیله در ساخت و تربیت هدفدار جامعه است، در جامعه نوپای بعد از پیروزی انقلاب، سازمانهای تعلیماتی پیروی از اصول و اهداف انقلاب ننموده و بهیچوجه جامعه را در جهت اهداف انقلاب، که از ابتدا تحصیل آزادی و استقلال و برقراری عدالت و تخلق به اخلاق اسلامی از مهمترین آنها بوده است، پیش نبرده‌اند. تربیت انسانهای با مظاهر اعلاى انسانیت جز با ایمان راسخ به خدا و نیکی و نیکوکاری تحقق نمییابد و قرآن هم ایمان کامل به خدا را، با رسوخ در علم معرفی نموده است (... والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا ... آل عمران ۷)

متأسفانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به دلیل انحصارطلبی و کم‌ارج نهادن به تحقیقات علمی و برنامه‌ریزی جامع و بلندمدت آموزشی و تربیتی و نتیجه فرار مغزها، سرمایه‌گذاری سرانه و منابع مالی صرف شده، در آموزش و تحقیقات سیر نزولی شدیدی را طی کرده، نتیجه و ثمرهای با کیفیت مطلوب که پاسخگوی احتیاجات حرفه‌ای، صنعتی، کشاورزی و تولیدی و خودکفائی کشور باشد، نداشته است. این موضوع با استخدام کارشناسان و پزشکان خارجی در بخش‌های مختلف از جمله پزشکی مشهود است. دانشکده‌های فنی و پزشکی به تعداد و ظرفیت لازم که متناسب با افزایش سریع جمعیت و نیازهای روزافزون کشور باشد تأسیس نگردیده و برای آنچه موجود است دستگاه تعلیماتی دانا و علاقمند به طور کامل وجود ندارد و علیرغم بعضی از تلاشهایی که به منظور افزایش ظرفیت بعضی از دانشکده‌های موجود به عمل آمده، نه تنها بر تعداد افراد پشت کنکور در سالهای بعد از انقلاب با سرعتی بیش از سرعت تصاعدی گذشته، افزوده شده است، بلکه با قبول دانشجوی بیش از ظرفیت دانشگاهها و کادر علمی باقیمانده و مخصوصاً با نحوه گزینش دانشجوی به صورت فعلی، کیفیت علمی و آموزشی و تحقیقاتی دانشگاهها به شدت کاهش یافته است. علاوه بر آن با جو حاکم در دانشگاهها روح آزادیخواهی و استقلال و ابتکار در معلم و دانشجو مرده است. روحیه اعتماد و احترام به استاد که ریشه در اعتقادات اسلامی و فرهنگ ایرانی داشته و می‌توانست در مدارس و دانشگاهها تقویت گردد، به بی‌اعتمادی و سردی گرائیده است. آزادیهای لازم در برخورد عقاید و کشف حقایق که از قرن‌ها پیش در مراکز علمی و تحقیقاتی وجود داشته و اساس اعتبار علم و رشد و توسعه نظریات جدید می‌باشد از محیط دانشگاهی ما رخت بر بسته است.

حرکتی چون انقلاب فرهنگی که می‌بایست وسیله و اهرم اصلی دگرگونی و پیشرفت علمی در جهت اهداف جامعه باشد، پس از چند سال فعالیت، نه تنها نتیجه روشن و مطلوبی نداشته، بلکه علاوه بر تضعیف آموزش و پژوهش منجر به پراکنده شدن بسیاری از استادان متخصص و امکانات دانشگاهی شده و عملاً استقلال علمی دانشگاهها به خطر افتاده است. مدیریت دانشگاهها به علت دخالت‌های ناصواب به شکل ضعیف و غیرموثری درآمده و گزینش‌های تنگ‌نظرانه و اعمال غرض از سوی گروههایی که مدیریت و گزینش را در انحصار خود گرفته‌اند، قاطبه اساتید کارآمد و علاقمند باقیمانده را به افرادی بی‌تفاوت و دلمرده تبدیل نموده است. مجموع حرکتی که به نام انقلاب فرهنگی در چند سال گذشته جریان داشته است، موجب کشمکش بین گروههای اسلامی داخل دانشگاهها شده جامعه دانشگاهی و علمی را به سوی تباهی سوق می‌دهد.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان که باید محل علاقمند ساختن و جذب داوطلبان دانشجویان به اسلام و همکاری‌های مفید اجتماعی باشند، در بسیاری از موارد ضمن دخالت در مدیریت و تضعیف آن، برای خود رسالت قدرت‌نمایی سیاسی و کنترل افکار و رفتار دانشجویان و دانشگاهیان را قائل گردیده، با روش تجسس در افکار و در زندگی دانشجویان و استادان، محیطی ناامن از ترس و ارباب، ایجاد نموده و حتی در مواردی دست به اخراج دانشجویان و استادان زده‌اند. این امر موجب عدم اعتماد و اطمینان و باعث بی‌تفاوتی نسبت به اسلام و تفرقه و عناد بین دانشجویان و اخلاص و دلسردی و دل‌مردگی در محیط دانشگاه و نتیجتاً افت کیفیت علمی و عدم مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی گردیده است. نهضت آزادی ایران اینگونه فعالیت‌های انجمن‌های اسلامی را، هر چند با حسن‌نیت، بر خلاف اسلام و حق و مصلحت جامعه ایران می‌داند.

در وزارت آموزش و پرورش، امور تربیتی و مربیان مربوطه در مدارس که کنترل‌کننده معلمین و دانش‌آموزان بوده و دخالت در مدیریت می‌کنند و همچنین دستگاههای تبلیغاتی رسمی که می‌خواهند با تحمیل و تهدید و ظاهراً از طریق مقررات دولتی ایجاد ایمان و عشق و عبادت خدا را نمایند و احکام و فرائض را در کشور پیاده کنند، با عکس‌العمل تأسف بار انزجار بسیاری از دانش‌آموزان، فرهنگیان و افراد و طبقات ملت نسبت به اسلام و خالی شدن مساجد و مانع فعالیت‌های آزاد دینی مواجه گردیده است.

علیرغم کمبود مدارس و کیفیت نامطلوب آموزش آنان، متأسفانه مدارس که با مشارکت مردم مؤمن و علاقمند به تربیت صحیح نسل جوان، بدون تحمیل بودجه دولت و با کیفیت مطلوب فعالیت خود را از سالها قبل از انقلاب آغاز نموده و ادامه داده‌اند و فارغ‌التحصیلان آنها نمونه‌های خوبی برای سایر مدارس بوده و حتی سهم موثری در انقلاب داشته‌اند. در سالهای اخیر، مورد بغض و بی‌عنایتی مسئولین آموزش و پرورش کشور قرار گرفته اکثراً تعطیل گردیده و معدودی که باقیمانده‌اند هر روز در جهت تضعیف یا تعطیل آنها تحریکات و اقدامات نامعقول و غیرقابل تحمل به عمل می‌آید.



نهضت آزادی ایران با توجه به آیه شریفه:

... الم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء توتي اكلها كل حين

بإذن ربها

اعتقاد دارد درخت علم که در زمین دین و ایمان راسخ گشته و در پرتو خورشید آزادی به رشد و ثمر می‌نشیند در سایه استبداد پژمرده و افسرده خواهد گردید.

همچنین علاوه بر اینکه اعتقاد دارد ترویج علم می‌تواند باعث تحکیم دین گردد، اعلام می‌نماید که تربیت نسل آینده کشور باید بر طبق برنامه‌ای با هدف خودکفائی و استقلال فکری، علمی و اقتصادی جامعه از طریق ایجاد ارتباط زنده و پویا بین موسسات علمی و صنعتی کشور و به دور از بهره‌برداری‌های سیاسی و خطوط انحرافی و در محیطی سالم و آزاد انجام گیرد.

براساس اصول فوق، باید برنامه‌های تحصیلی در سطوح مختلف از ابتدائی تا دانشگاهی در رشته‌ها و ادوار مختلف با مشارکت و همکاری صاحب‌نظران ذیصلاح تهیه گردد و پس از تصویب به اطلاع عموم برسد تا هر مؤسسه خصوصی علمی و آموزشی ذیصلاح با مدیران مؤمن و علاقمند که با هدف ایجاد و اداره مؤسسات آموزشی غیرانتفاعی با سرمایه‌گذاری خصوصی تحت نظارت کلی و پذیرش برنامه‌های آموزشی دولت آمادگی داشته باشند به طور غیرمتمرکز فعالیت نمایند و بار سنگین مالی این فعالیت عظیم و گسترده نیز که فعلاً منحصراً به دوش دولت است و دولت قادر به ادامه تحمل آن نخواهد بود، کاهش یابد.

بخش دوم - اصول مورد قبول و خط مشی

الف) اعتقادی - سیاسی

اصول و خط مشی نهضت که اساس برنامه‌ها و فعالیتها خواهد بود مبتنی بر موضوعات و مواضع ذیل می‌باشد که در قطعنامه و نشریات گذشته آمده، کنگره هشتم ادامه و استمرار آن را لازم می‌داند:

- ۱- اعتقاد و تعهد نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- معتبر شمردن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تعهد نسبت به تمامیت و هم‌آهنگی اصول آن.
- ۳- استقلال کشور در برابر خارج و آزادی و امنیت و آبادی در داخل.
- ۴- اصالت ملی و اسلامی انقلاب و تعلق آن به همه طبقات.
- ۵- اعتبار و اصالت شعارهای اصلی انقلاب اسلامی ایران که با توجه به «نه شرقی و نه غربی» بودن در، سه جمله «آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی» خلاصه شده است.
- عدم اعتبار و عدم اصالت شعارهای التقاطی، انحرافی، انحصارگرانه و تک‌نظرانه که بعداً اضافه شده و بتصویب آراء عمومی نیز نرسیده است.
- ۶- مبارزات سیاسی - اجتماعی به صورت قانونی، انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و روش «صبر و تلاش و توکل»، با توجه به ضرورت قیام قانونی ملت و حضور و مشارکت مردم در دفاع از آزادی و حاکمیت ملی.
- ۷- تأیید اصولی جنگ در مرحله تدافعی و توصیه صلح عادلانه شرافتمندانه به منظور پایان جنگ، با خودداری از تجاوز و تعدی از یک طرف، تقویت و تدارک حداکثر نیرو برای جلوگیری از تجاوز خارجی

(که در نشریات «جنگ و صلح»، «مذاکره - آتش‌بس - صلح»، «جنگ بی‌پایان» و «روزنه‌های امید» آمده است)

- ۸- صدور انقلاب و اسلام، با احتراز از خشونت و اکراه از طریق شاهد و اسوه شدن بر طبق موازین اسلامی و حقوق بین‌المللی، به صورت انسانی و آزاد.
- ۹- اعمال سیاست خارجی به صورت حسن همجواری و روابط مسالمت‌آمیز و مبادلات بین‌المللی با کشورهای که موجودیت قانونی و پابندی به حقوق بین‌المللی را دارند، مشروط به احترام متقابل بر مبنای عدالت و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و عدم دخالت در امور داخلی.
- ۱۰- همکاری دوستانه با کشورهای و ملت‌های همکیش و همعهد در دفاع از مظلومین و محرومین و گسترش عدالت و صلح و امنیت.

(ب) اداری - تشکیلاتی

- ۱- کنگره هشتم وظائف اجتماعی، سیاسی و اداری را که نهضت و اعضاء آن با علم به مشکلات و خطرات مربوطه، بر طبق مرامنامه و اساسنامه به عهده گرفته‌اند به عنوان انجام فریضه الهی و دینی تلقی کرده معتقد است که اگر از روی ایمان و قصد قربت بر طبق اصول و احکام اسلام اجرا شود مأذون از طرف خدا و انشاءالله مأجور در نزد او می‌باشد. بالعکس، تعلل و خلاف آن خیانت به خود و به خلق و خلف عهد در برابر خدا محسوب خواهد شد.
- ۲- کنگره هشتم یادآوری و تأکید می‌نماید که رسالت اولیه و همیشگی نهضت آزادی در خدمت به ملت ایران واسط و شاهد بودن در میان احزاب و گروه‌ها و شخصیت‌ها به تبعیت از آیه کریمه «و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً» بوده است. کنگره طرفدار قیام قانونی - قرآنی و مبارزه مسالمت‌آمیز است که با دعوت به خیر، جدال احسن و امر به معروف و نهی از منکر انجام شود و معتقد است که این کار با صبر و تلاش و توکل به خدای علیم قدیر و با همکاری هموطنان عزیز انجام‌پذیر است.
- ۳- کنگره هشتم عقیده و رویه سنتی نهضت را که تکیه بر آیه شریفه «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» است مجدداً تأیید و توصیه می‌نماید. این عقیده و رویه دستورالعمل اجرائی نهضت است و ما آن اصلاح یا انقلابی را مشروع و موثر می‌شناسیم و می‌خواهیم که انگیزه‌های آن آگاهانه و آزادانه در ذهن و ضمیر کلیه افراد کشور یا اکثریت آنان پذیرش یافته و تغییرات بنیادی درونی ایجاد نموده باشد. نه آنکه از ناحیه یک فرد یا اقلیتی با تبلیغات یا با اجبار و آزار تحمیل گردد. اولین پیام نهضت به ملت ایران این است که تا مردم خواهان شدید آزادی و حاکمیت ملی و سعادت خودشان نبوده حضور در صحنه و مشارکت در مبارزه نداشته فعالیت و مراقبت مستمر ننمایند، نمی‌توانند توقع نجات و بهبود اوضاع و دوام دستاوردها را داشته باشند.
- ۴- کنگره خوشوقت است که نام و هدف نهضت، یعنی آزادی، پذیرش بیشتر در محیط مملکت پیدا کرده افکار و گروه‌هایی پی به ضرورت درجه اول آن برده متوجه شده‌اند که تا آزادی در جامعه وجود نداشته و جامعه باز نباشد سایر مقاصد و ارزشها و مخصوصاً عدالت اجتماعی و حاکمیت ملی تأمین نخواهد

گشت. خدا را شکر می‌کنیم که نهضت آزادی موفق شده است علیرغم محدودیتها و مزاحمت‌ها، مختصر آزادی و امکان مخالفت و انتقاد را به دستگاه بقبولاند که خود خدمت و مایه امیدواری و تشویق می‌باشد. کنگره از مسئولین و از اعضای نهضت می‌خواهد مساعی گذشته را در زمینه پذیرش و گسترش آزادی و تحقق جامعه‌ی باز وسعت و شدت زیاده‌تر بخشند. یکی از راههای آن توسعه‌ی تشکیلاتی نهضت و برقراری ارتباط فراگیر با همفکران و علاقمندان مخصوصاً نسل جوان به منظور جلب همکاری هموطنان تهرانی و شهرستانی و خارج کشور می‌باشد.

۵- به عقیده کنگره هشتم نهضت آزادی ایران که برای تصرف قدرت و کسب منفعت تأسیس نشده است معتقد به براندازی و جانشینی حکومت از طریق خشونت و خصومت نبوده توجه به ملت و به مشروعیت حکومت یا به مبانی ارزشی و اعتقادی آن در یک نظام مردمی و قانونی دارد. نهضت آزادی طرفیت با اشخاص و طمع به مقامات و مشاغل نداشته به جای آنکه سیاست را بنا به معمول، رقابت و جنگ بر سر قدرت تلقی نماید فعالیت و جنگ بر سر حجت می‌داند. اقدام نهضت در مرحله اول باید ارشاد متصدیان و اصلاح حکومت و مدیریتها بوده سعی در اعاده آنها به تقوی و تعهد بنماید و به آگاه ساختن مردم و روشنائی افکار بپردازد. در مرحله دوم و در صورت عدم توفیق در مرحله اول دست به مبارزه منطقی با گمراهیها و برملاء ساختن موارد اغوا و انحرافهای حکومت بزند.

۶- نهضت آزادی ایران در برابر چهره ناموزونی که از اسلام در اثر عملیات بعد از پیروزی انقلاب، در خارج و داخل ایران ترسیم گردیده است و علیرغم جذب و فعال نمودن قشرهایی از مردم، خلق زیادی از اسلام و خدا برگشته‌اند، به طور ضمنی و در عمل عهده‌دار یک رسالت دفاعی دینی گردیده است. نهضت با افشاء و اثبات اینکه اعمال خلاف مشهود ارتباط با اصول و احکام دین حنیف اسلام ندارد، سعی کرده است و باید بکند که ایمان و علاقه هموطنان به حالت صحیح و اصیل سوق داده شود.

۷- کنگره با توجه به پیچیدگی و حساسیت شرایط جامعه از یک طرف و رشد اعتقادی - سیاسی نهضت از طرف دیگر، و با عنایت به لزوم بیش از پیش نقش مصلحانه و مؤثر نهضت در صحنه اجتماع، با استعانت از خداوند رحمان، سال ۱۳۶۵ را سال برنامه‌ریزی اعلام می‌کند و خواستار فعالیت در ارگانهای مختلف بر طبق برنامه می‌باشد.

۸- کنگره هشتم از کلیه اعضای حال و آینده نهضت می‌خواهد که به عنوان یک مسلمان نمونه و اسوه احساس مسئولیت عاشقانه و ابراز ایمان ایثارگرانه در رساندن پیام نهضت به مردم و همکاری در انجام رسالت نهضت بنمایند. همچنین علاقمندی و انضباط حزبی محکم و مستمر در قبال مرامنامه و اساسنامه و مقررات و کوشش در تقویت و توسعه نهضت، همراه با دوستی و برادری نسبت به یکدیگر و نسبت به مسئولین و همکاران و همفکران و بالاخره دعای دسته جمعی برای رضا و رحمت خدا در خدمت به خلق خدا... **والحمد لله رب العالمین**